



رخصاره‌های نو، برای شهرکهن

□ مصاحبه‌گران: م. رستمخانی / ع. جلالی

علیرضا نوین شهردار تبریز، کارشناس برنامه‌ریزی شهری از دانشگاه تبریز، کارشناس ارشد مدیریت دولتی از دانشگاه امام حسین (ع) و در حال حاضر دانشجوی دکتری مدیریت دولتی سابقه ۲۵ سال کار اجرایی از وی مدبری توانا و خلاق ساخته است. مصاحبه با وی در آخرین ساعات روز هشتم اردیبهشت ماه سال جاری در گیرودار برگزار می‌شود. همایش بزرگداشت یک صدمین سال شورا و شهرداری‌ها در تبریز انجام شد. با توجه به هماهنگی قبلی و با وجود خستگی فراوان و اصرار همکاران ایشان مبنی بر فرصت بسیار محدود مصاحبه، آقای شهردار با رویی گشاده و رغبت فراوان فرصت مناسب و نامحدودی را برای گفتگو اختصاص دادند و اگر حجب و حیا می‌خواستند برای اتمام مصاحبه نبود چه بسا گفت‌وگو و لطف ایشان ساعاتی دیگر نیز ادامه می‌یافت.

فضای صمیمانه مصاحبه در محل هتل پارس نیز تأکیدی دیگر بر مهمان‌نوازی پرشور تبریزی‌ها بود که بجاست از میزبانی شهرداری تبریز دگر بار قدر دانی و تشکر نماییم؛ به‌ویژه از آقای ناظمی مدیر سازمان فرهنگی و هنری شهرداری تبریز و روابط عمومی و امور بین‌الملل شهرداری، آقایان مقصودی و خانم ترکان.

ناگفته نماند که همزمان با برگزاری همایش، سومین دوره شورای اسلامی شهر تبریز نیز آغاز به کار نمود و در همان جلسه اول به صورت غیر رسمی به باقی‌آقای نوین در سمت شهردار تبریز رأی دادند.

در جلسات بعدی نیز این امر به صورت رسمی و علنی رأی‌گیری شده و وی برای یک دوره چهارساله به‌عنوان شهردار تبریز انتخاب شد. به ایشان و همکارانشان خدا قوت گفته و امید داریم طی این دوره نیز در اداره امور کلان شهر تبریز موفق باشند؛ به بهانه‌های مختلف از تبریز و تبریزیان بگوییم و شهر نخستین‌ها در نشریه نیز مستمر و باقی در جایگاه اول باشند.

پرونده‌های علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

گسترش پیدا کرده است؛ سؤال ما این است که گستره‌ی شهر از کدام سمت و سو می‌باشد و چرا؟ تبریز آیا روستایی را تا زگی‌ها در خود فرو برده یا اصطلاحاً بلعیده است یا خیر؟ همان‌طور که می‌دانید بسیاری از شهرهای بزرگ مانند مشهد در گذر تاریخی خود روستاهای بسیاری، نزدیک به ۶۰ روستا، را در خود فرو برده و به برزن و محله‌ای از شهر تبدیل کرده است.

○ تبریز در طرح جامعی که در سال ۷۴ تهیه شده بود، توسعه شهر به سمت شمال غرب است. منتها دست‌هایی در کار بود که آمدند در توسعه شهر کار کردند؛ شمال غرب به شمال شرق منتقل شد؛ یعنی دقیقاً از سال ۷۰ تا ۷۳ همه فکر می‌کردند که توسعه به سمت شمال غرب است. از این رو بسیاری زمین خریدند و کارهایی انجام می‌شد؛ می‌دانید که

تبریز آقای شهردار از آن‌جا که شما موثق‌ترین منبع اطلاعات در باره‌ی وضعیت کنونی شهر تبریز هستید، از شما خواهش می‌کنیم تا برای آشنایی خوانندگان و شهروندان با وضعیت جغرافیایی تبریز حدود و جمعیت شهر را در آخرین سرشماری بیان فرمایید.

○ گستره‌ی شهر از شرق تا غرب ۳۸ کیلومتر و شمال تا جنوب ۹/۵ کیلومتر است؛ شمار جمعیت در آخرین سرشماری سازمان آمار، یک میلیون و ۷۸۰ هزار نفر و از نظر ما نزدیک به دو میلیون نفر است که ما چند بخش داریم که وزارت کشور قبول نکرده است اما ما به آن‌ها خدمات می‌دهیم. ما آن‌ها را حساب کردیم و لذا جمعیت یک میلیون و هشتصد هزار نفر قطعی است.

تبریز می‌دانیم که تبریز نسبت به سال‌های گذشته



کاخ شهرداری - تبریز



این گونه اطلاعات باز است و همه می توانند به آن دست یابند. در همان سالها دولت محترم آمد یک شهر سرریزی را به نام "سهند" طراحی کرد در دهه ۷۰ بنا بود که سرریز جمعیت تبریز به بلندی های سهند برود و نزدیک به ۵۰۰ هزار نفر در آن ساکن شوند، اما آن چیزی که واقع شد نه



شهر را به این سو می کشاند. در حال حاضر همان بحث روستاها (روستای کرک، داخل شهر شده و روستای کندولوت (kondolot) که رفته رفته دارد وارد شهر می شود.) به تازگی ۴ روستا را هم به شورای عالی شهر تبریز پیشنهاد دادیم، برای این که در کنترل شهرداری باشد که اینها را به عنوان حریم شهر قبول کنند و ساخت و ساز غیر قانونی نشود چون به آنها خدمات می دهیم و آنها در قطعات ۱۰۰۰ متری به ویلاسازی مشغول اند، اما کسی نظارت نمی کند. اگر وزارت کشور این پیشنهاد ما بپذیرد و آنها به شهر متصل شوند از نقاط خوب شهر تبریز خواهد بود. **تبریز** در یک نگاه سطحی متوجه می شویم که شهر به شکل حیرت انگیزی رشد عمودی می کند که در سالهای پیش این رشد آن قدر شدید نبوده است. آیا این در پی انفجار جمعیتی از سال ۶۰ به بعد است که حالا جوانهای آن موج، به سن خانه دار شدن رسیده اند و یا پیامد مهاجرت روستا به شهر است؟

○ به نظر من هر دو دلیل می تواند وجود داشته باشد و بدتر از آن سودآوری ساخت و سازی است که در دهه ۷۰ شروع شد و کسانی چون پزیشان و بازاریان که اصلاً کارشان این نبود به ساخت و ساز روی آوردند.

این اتفاق ناخجسته در شهر تبریز به دنبال فروش تراکم که در تهران آغاز شده بود، رخ داد. من اگر در آن زمان شهردار بودم مردم را ترغیب می کردم تا با اجازه شورا بافت های فرسوده مرکز شهر تبریز که حدود ۲۵۰۰ هکتار گستره دارد را مقاوم سازی کنند نه این که بروند کنار شهر که نه برق هست و نه آب و نه زیرساخت؛ منتها در آن ایام تعاونی ها همه به فکر افتاده بودند که زمینی را دست و پا کنند که این زمین در داخل شهر نبود؛ در خارج شهر با کشاورزان و اهل روستا توافق کردند که درصدی برای آنها و درصدی هم برای تعاونی ها بپردازند تا شهرک سازی انجام بگیرد. تعداد زیادی از تعاونی ها رفتند و زمین خریدند که ماند. الان هم این حرفها در بین کشاورزان عنوان می شود که ده سال پیش آمدند و زمین های ما را خریدند و گفتند زمین شما را مسکونی می کنیم ۲۰ درصد خانهها را به ما بدهند و ۸۰ درصد برای تعاونی ها.

تبریز پس این عرضه در برابر تقاضا نبود؟

○ به نظر من این بر اثر تقاضا نیست هر چند آن مهاجرانی که شما گفتید در ارتفاعات و در خانه های در حد ۳۰ الی ۴۰ متر که کاملاً غیر اصولی هم ساخته اند، زندگی می کنند. الان تبریز نزدیک به ۴۰۰ هزار نفر مهاجر دارد ولی این مهاجران دنبال برج و ساختمان های آن چنانی نرفتند، اما فشار غیرمستقیم را به شهر وارد کرده اند که شاید آثار اجتماعی این فشار کالبدی بیش تر از خود فشار باشد.

شهر سهند امروز شهر سهند شده است و نه شمال غرب شهر توسعه پیدا کرده است. دست های پیدا و ناپیدا توسعه شهر را به شمال شرق کشیده اند.

شمال شرق چه خاصیتی داشت؟ خاصیت آن این بود که تا پلیس راه تبریز؛ یعنی ۳۵ کیلومتر، فاصله چند روستایی که شما مطرح کردید، روستاهای کرک (karkat) و مهم ترین آنها روستای قمرود و چند روستای دیگر هم سر راه بود از آن جا که آلودگی شهر تبریز به خاطر بادهای غالبی که از جنوب غربی به سمت جنوب شرقی می وزند، به هنگام وزش باد دائم از میان می رود و از نظر زیست محیطی سمت شمال شرق شهر پاک ترین هوا را دارد. به همین خاطر توانگران و آنهایی که پول بیش تری داشتند و یا فکر می کردند که از دیدگاه زیست محیطی زمین های فاصله آن روستاها مناسب خواهد بود رفتند و زمین خریدند و شهر را به آن سو گسترش دادند. چه با استدلال و چه بدون استدلال مسؤولان اداری هم همراهی کردند و نتیجه این شد که شورای عالی شهرسازی گستره ای به اندازه ی شهرک خاوران؛ یعنی ۸۰۰ هکتار از طرح جامع شمال غربی کم کرد و به شمال شرق انتقال دادند. از این رو اکنون شمال شرق تبریز بهترین نقطه برای زیست، از نظر قیمت، منطقه ای، گران ترین قیمت ها و در نهایت به جهت دسترسی هایی آسانی که ایجاد شده و کمربندی زنجان - تبریز که از آن جا گذر خواهد کرد (همه دست به هم داده و



ساخته شده و سازنده منتظر است که این آپارتمان‌ها را با قیمت مناسب بفروشد چون مشتری نیست و رکود دارد، در نتیجه رها کرده به امید این که گران تر شود و بفروشد. از طرف دیگر رقابت بین شهرها است که وجود دارد وقتی که شهری مثل مشهد، شیراز و اصفهان به عنوان کلان شهر برای برج سازی از تهران تبعیت کردند. برای این که گمان بر این است که ساختمان بلند نشانه‌ی مدرنیسم است. به نظر من یک رقابت این چینی هم پیش آمد البته ۱/۵ سال قبل. مدیران قبلی حرفشان این بود که باید شهرداری درآمد داشته باشد، برای همین ساخت و ساز رونق گرفت. گفتیم کاربری زمین را عوض می‌کنیم، به مغازه‌ها مجوز می‌دهیم و امروز شما شاهد مجوز ۳۵ طبقه هم هستید علت این بود که یک تعداد تعاونی با ۵۰۰۰ نفر عضو که شاید حدود ۷ سال است بلاتکلیف بودند. اختلافی پیش آمده بود و شده بود یک کار امنیتی. در نهایت در کمیسیون مطرح شد و مجوز ۳۵ طبقه صادر گردید. تغییرات کالبدی شهر به نظر من رقابتی است و یک مقدار هم برای این که در بخش ساختمان درآمد خوبی داشته است و بحث بعدی خود مردم هستند. امروزه مردم وقتی که شهرهای بزرگ را می‌بینند متوجه می‌شوند که برج سازی مزایایی دارد در ۲۰ سال پیش در تبریز هیچ کس در آپارتمان زندگی نمی‌کرد؛ فرهنگ آپارتمان نشینی به وجود نیامده بود، اما اکنون به این فرهنگ گرایش یافته‌اند. الان مردم حتی ویلاهای خودشان را می‌فروشند و برج آسمان تبریز را متری یک میلیون و یک میلیون و ۲۰۰ می‌خرند و زندگی می‌کنند.



پس هر سه جهت را قابل تأمل است؛ بورس بازی این قضیه؛ مردم فرهنگ جاهای دیگر را دیدند و علاقه مند شدند و در نهایت به جهت درآمدهایی که شهرداری نیاز داشت مجوزهایی برای آن صادر شد.

تبریز در یک چشم انداز طولانی، نهایت این برج‌ها خالی نخواهد بود و آدم‌ها این برج‌ها را خواهند گرفت آن چیزی که می‌خواستیم بپرسم، این است که اگر این برج ۱۸۰ واحد داشته باشد و شما متوسط خانوار را سه نفر حساب کنید خود این قضیه جمعیت کثیری می‌شود که

زمانی جمعیت رشد ۴ درصد داشت زاد و ولد نیز زیاد بود و امروزه این رشد دارد خودش را نشان می‌دهد، به خصوص بعد از دوران دفاع مقدس که جوان‌ها بازگشتند و ازدواج کردند و الان رشد جمعیت کنترل شده است و به زیر ۲ درصد رسیده است ما دیگر در آینده مشکلی نخواهیم داشت. از دید من وضعیت جمعیتی شهر تبریز طوری است که مهاجران از یک سو وارد شهر می‌شوند و از طرف دیگر بیرون می‌روند، تبریزی‌های مقیم تهران را داریم و یا تبریزیانی که در کل استان‌ها هستند و یا تبریزهای کشورهای خارجی زندگی می‌کنند؛ پس یک ورودی داریم و یک خروجی؛ هم مهاجر می‌پذیرد و هم مهاجر می‌فرستد. به نظر من از لحاظ جمعیتی ما تعادلی این گونه داریم؛ یعنی در دهه اخیر ۱/۷ شده ۱/۸ میلیون نفر این یک صد هزار نفر جمعیت افزوده، هم همین روستاهایی هستند که قابل زندگی بوده‌اند و باید اضافه کنیم که این افزایش از لحاظ جمعیتی قابل توجه نیست.

تبریز با نگاهی به خیابان‌های تبریز می‌بینیم که شهر، راه تهران را در پیش گرفته است اگر به این شکل باشد؛ به نظر می‌رسد که در آینده‌ای نه چندان دور با گره‌های ترافیکی، راه‌بندان، کمبودهایی مثل آب آشامیدنی و آلودگی هوا روبرو خواهد شد. نظر شما در این باره چیست؟

○ الان در شهر تبریز آمار و ارقام همین را نشان می‌دهد. به خاطر وجود فضای اقتصادی و سودآوری که به وجود آمده بود همه به ساختمان سازی روی آوردند و مثلاً تجار به خاطر وضع اقتصادی بازار و حتی آدم‌های غیر فنی هم در مسکن سرمایه گذاری کردند الان در تبریز دو برابر نیاز جامعه شهری ما مغازه پاساژ و تجارت خانه دارد و این درست نیست؛ ما شهر را بر اساس نیازهای مردم می‌سازیم، اما متأسفانه امروزه به این شکل نیست توسعه شهر بی قواره بوده است و آشفته رشد کرده است. همان طور که دیده‌اید در کنار ما تپه‌ای است که آدم‌هایی غیرقانونی خانه ساختند و چند سال بعد در کنارش استادان دانشگاه هم آمدند خانه ساختند که حالا هر دو معذب هستند نهایتاً با نامه نگاری‌های که از هر دو سو می‌شود ما تنها می‌توانیم بگوییم که آب و برق و... را نمی‌دهیم اما آنان [= دانشگاهیان] خواهان تخریب این خانه‌ها هستند فقط به خاطر این که غیرمجاز ساخته شده است. پس اگر شما بحثان در باره‌ی ساختمان‌های بلند مرتبه است این‌ها در ایامی ساخته شدند که دست اندرکاران می‌خواستند درآمدهای شهری با فروش تراکم، با تبدیل کاربری‌ها بالا برود. این‌ها چیزهایی است که الان به آن متهم هستیم اما اتفاق افتاده است. در یک عملی فضای سبز را تبدیل به تجاری کردیم و به همین جهت ما دو برابر نیاز فضای تجاری نیاز داریم در شهر تبریز مغازه‌های خالی فراوان است. همین بحث در رابطه با مسکن هم هست الان در تبریز ما کمبود مسکن نداریم مثلاً خیلی از خانه‌ها



خودرو به خیابان می‌آورد، مصرف آب را بالا می‌برد و آلودگی تولید می‌کند. این خود یک دغدغه است. شما به عنوان شهردار شهر این مسأله را چگونه می‌بینید؟

○ طبیعی است که ۵ الی ۱۰ سال این برج پر می‌شود، اما ما الان مجتمعه‌ها را بدون پارکینگ نمی‌سازیم و پارکینگ برای هر واحد مستقلاً ساخته می‌شود و نزدیک به یک سال است که پارکینگ فروشی نمی‌کنیم. اما از نظر این که جمعیت می‌آید و آن منطقه شهر شلوغ می‌شود الان در تبریز روزانه ۲۵۰ هزار خودرو می‌چرخد این یعنی آلودگی است. نمایشگرهای آلودگی تبریز نشان می‌دهد، این شهر دومین شهر آلوده کشور است. صنایع ما در جنوب غرب تبریز است باد که به طرف شمال شرق تبریز می‌وزد و همه‌ی آلودگی‌ها را به این سمت هدایت می‌کند؛ بنابراین آن دغدغه شما طبیعی



است اگر منظور این است که رها کنیم و ساخت و ساز نکنیم که نمی‌شود در بحث توسعه شهر مسأله این است که ما اگر زرنگ باشیم باید شهر را کنترل کنیم ولی هیچ زمانی نمی‌شود جلوی سلیقه‌ی مردم را گرفت؛ یعنی امروز بگوییم که ما فقط پروانه برای ساختمان‌های ۳ طبقه می‌دهیم نه این طور نمی‌شود، تدابیر ما این خواهد بود که شهرک‌های سرریز تبریز، خاوران، امیدیه و... را فعال کنیم و سازها به صورت ۳ طبقه ساخته شود. اما در شهر اگر یک فرصتی یا مسأله‌ای پیش می‌آید و طرحی پیشنهاد می‌شود به خاطر مسائل شهرداری (درآمد) بی تفاوت از کنارش نمی‌گذریم.

تبریز آیا فشار جمعیت و این مسأله‌هایی که ساخت و ساز به وجود آورده و به بافت قدیمی و فرسوده شهر منتقل می‌شود، ممکن است که دست به بازار هم ببرد؛ یعنی وقتی شما مجبورید که خیابان را باز کنید اگر به بازار هم رسیدید ممکن است به ناگزیر بازار را هم

بشکافید و جلو بروید چاره‌ای ندارید چه خواهید کرد؟ کما این که من امروز دیدم برای تراموا (قطار شهری) تان بخش‌های از خانه‌های اطراف (بافت قدیم) برداشته شده است.

○ به نظر من اگر این اتفاق پیش بیاید اتفاق مبارکی است که فشار جمعیتی بر بافت فرسوده شهر وارد شود بافتی که عمدتاً در مرکز شهر، تبریز قدیم، قرار دارد به جای این که فشار به جاهایی که تراکم متوسط دارد بیاید در آن جا البته می‌دانید که در این بخش نیز ساخت و ساز ضوابطی دارد میراث فرهنگی معتقد است، حداکثر ۵ طبقه مناسب است. اگر فشار جمعیتی در این بافت فرسوده برای ۵ طبقه بیاید ما استقبال می‌کنیم چون شهر مقاوم می‌شود همین الان هم ما روی یک بمب نشسته ایم تبریز از جمله شهرهایی است که روی گسل است و همین حاشیه نشینی با خانه‌های غیرمجاز و خانه‌های بافت قدیمی که واقعا مقاوم نیستند، اگر زلزله بیاید من پیش بینی ام این است که شاید ۳۰۰ تا ۴۰۰ هزار نفر زیر آوار بمانند. اگر فشار جمعیتی به مرکز شهر، بافت قدیمی، بیاید با ضوابط فرهنگی و تاریخی سازگار باشد، ما استقبال می‌کنیم اما آن بازار حول و حوش بازار سنتی مسکونی نخواهد شد، حتی تجاری مدرن به شکل پاساژ هم نخواهد شد چون جزء میراث فرهنگی است و به ما اجازه نمی‌دهند، حتی اجازه می‌خورد زدن در آن بازار هم ما نداریم. در حال حاضر کنترل می‌شود و قرنطینه است؛ بنابراین اگر این اتفاق بیافتد من خودم خوشحال خواهم شد که یک قسمت از بافت فرسوده ما مقاوم بشود.

تبریز احساس خودتان را در نخستین روزهای ریاست‌تان به عنوان پنجاه و چهارمین شهردار تبریز، بفرمایید؛ آن هم به عنوان کسی که در بر جایگاه قاسم خان والی نشسته است کسی که می‌خواهد شهروندمدارترین شهر ایران را ایجاد بکند.

○ فردا روز شوراها است و هیأت رئیسه مشخص خواهد شد و به دنبال آن شهردار هم انتخاب می‌شود اما اگر من در این جایگاه باقی بمانم و این نشان افتخار نصیب من بشود استقبال خواهم کرد به دو دلیل: نخست این که من در تبریز متولد شدم و دلم برای شهرم می‌تپد؛ ۱۷ سال در تهران بودم و برگشتم منتهی نیست بلکه دینی است که به زادگاهم دارم؛ دوم کار در شهرداری است در این مدت ۲۷ سال من در چند وزارت خانه کار کرده‌ام تنها جایی که خدمت مستقیم به مردم است و آثارش را بلافاصله می‌توان دید سازمان شهرداری‌ها است که ما در کشور داریم. علت این است صبح که شهروندان از خانه بیرون می‌آیند رفتگر را می‌بینند یک خدا قوت می‌گوید و دعا هم می‌کند شب که به خانه برمی‌گردد با راننده اتوبوس سرو کار دارد. در فضای سبز که برای استراحت است چند



شهریارها حالا یک سؤال نه چندان خصوصی که خواهش می‌کنیم به زبان مادری پاسخ دهید؟

○ تاریخ تولد، رشته تحصیلی و گرایش تحصیلی را عنوان کنید؟

(بله، مین اوچ یوز، اوتوز دوک کوز ...) [تولد ۱۳۳۹، لیسانس برنامه ریزی شهری دانشگاه تبریز، فوق لیسانس مدیریت دولتی دانشگاه امام حسین(ع)، الان دانشجوی دکتری مدیریت دولتی پیام نور].

شهریارها ماهنامه مشتاق است، بدانند اندیشه برگزاری سده‌ی شهرداری‌ها به اعتبار ما یا یک صدمین سال بزرگداشت شورا در تبریز را چه کسی پیشنهاد داد؟

○ ما یک سازمان فرهنگی و هنری داریم که وظیفه‌اش این است که هم بخواند هم به ما که همیشه به فکر آجر، سیمان و عمران هستیم یادآور شود که این شهر یک موجود زنده است؛ تاریخ، هویت و شناسنامه دارد. مردم فقط این را از ما نمی‌خواهند که پل بسازیم و زیرگذر. دقیقاً ۴ الی ۵ ماه پیش در جلسه‌ای که در سازمان فرهنگی و هنری داشتیم در جلسه‌ای کاملاً فرهنگی مربوط به "شهریار"، آقای صمد سرداری نیا، یکی از نویسندگان شهر، مطالبی را مطرح کردند. آن ایام مطرح کردند که شهرداری تبریز جزء اولین هاست اسناد و مدارکی که دوستان آوردند و صحبت‌هایی که در یک جلسه دیگر شد ما را به این فکر انداخت که حداقل این تجلیل را می‌توان انجام داد. از این رو مردم پیشنهاد کردند؛ من هم قبول کردم و گفتم روی آن کار کنید. این کار کردن حدوداً سه ماه طول کشید سازمان فرهنگی و هنری ما با دوستان فرهنگی شهر جلسه برقرار کردند و در نهایت به من گفتند که شهرداری تبریز به دنبال انجمن شهر در سال ۱۳۸۶ تأسیس شده است، از این رو ایده و فکر



مستندات تاریخی را یادمان انداختند. در همین جا لازم می‌دانم که تشکر کنم از دکتر صمد سرداری نیا که متولی کار و پردازش آن بود، اسناد و مدارک را دید و به ما مشاوره داد سازمان فرهنگی هم بود و نهایتاً اجرایش را دبیرخانه خود سازمان فرهنگی و هنری و بقیه کارها هم بین مجموعه

لحظه می‌آرآمد. بی‌گمان شهر را وقتی مطلوب دید به یقین دعا خواهد کرد؛ بنابراین خدمت مستقیم به شهروند و دعای خیری هم که به کارمند و کارگر شهرداری می‌کنند امتیازی است برای کسی که در شهرداری کار می‌کند.

سومین قضیه تبریز الان به دلایلی که بازگو نمی‌کنم واقعاً عقب ماندگی‌های زیادی دارد هرکسی که توانی در خودش احساس کرد باید به میدان بیاید. به نظر من باید شروع کرد و این شروع به اراده مردانی است که هستند و باید در میدان حضور داشته باشند من خودم را فدایی نظام می‌دانم و در عرصه‌های مختلفی که بودم این را می‌دانم که الان شهرم به من نیاز دارد اگر نیروی جوانی از من پرانرژی تر باشد من کنار می‌کشم به شوراها هم عرض کردم، بگردید نیروی‌های جوان، پرانرژی و خوش ذوق، با فکر باز و مثبت اندیش را بیابید که بتوانند این کار را بکنند. ما هم به عنوان یک شهردار منطقه با آن‌ها خواهیم بود و اگر دوستان این بار سنگین مسؤولیت را بر دوش من گذاشتند من در کنار مردم و برای آن‌ها تلاش خواهیم کرد، امیدوارم که مردم هم در این راه شریک باشند.

در بحث مشارکت حدود ۶ ماه است که ما کتاب‌هایی را منتشر کردیم و حرفمان این است که شهردار پاسخگو، شهروند مسؤول هم می‌خواهد؛ شهروندانی که احساس مسؤولیت کنند و از ما بخواهند.

۱۵ ماه است که روزنامه‌ها مطالبات را می‌نویسند، برخی هم تند می‌نویسند، بارها گفته‌ام اینان مشاوران من هستند و حرف مردم را به من منتقل می‌کنند. اگر به نمایشگاه بروید [منظور نمایشگاه یکصدمین سال است] غرفه‌ای است به نام مشاوران جوان، این‌ها مشاوران شهردار هستند عین همین را در محله‌ها به عنوان "یاریگران شهر" در محلات تشکیل دادم. با این که شورایاری قانونی است این یاریگران از دید شورا غیر قانونی بود ولی از آنجا که من می‌خواهم با مردم باشم و حرف‌های مردم را بشنوم این کار را انجام دادم؛ بنابراین در این آغازین روزها کمربندها را باید محکم ببندیم شعار "تبریز ۹۰" را دادیم و با ۱۰۰ پروژه‌ی عمرانی بزرگ که به نظر من شدنی هم هستند و بزرگ‌ترین آن‌ها "زاینده رود اصفهان را در مهرانه رود تبریز جاری خواهیم کرد" می‌دانم. من این پروژه را دوست دارم و این پروژه عملی هم هست چون ۲۳ کیلومتر این معبر رودخانه در شهر وجود دارد فقط ساماندهی باید کنیم. جناب آقای احمدی نژاد در سفرشان به تبریز قولی به ما دادند که پیگیر هستیم و وزیر نیرو در خواست ما را بررسی کردند که از سد شهید مدنی هم برای این رودخانه آب جاری شود و لذا انشاءالله شما تا سال ۹۰ بیابید و این بار مهرانه رود را به تماشا بنشینید.



این شهر تقسیم شد.

شوراپیا با توجه به افزایش پرشمار شهرهای کوچک و جایگاه ویژه کلان شهرها، شما را بطنه کلان شهرها و سازمان شهرداری‌ها را چگونه می‌بینید؟

○ سازمان شهرداری‌ها اگر خودش را متولی اداره‌ی شهرداری‌ها می‌داند که قانوناً چنین است، از آن‌ها انتظارات بیش تری داریم. همان طور که می‌دانید هر چند شوراها مستقل شدند و شهردار را انتخاب می‌کنند اما در نهایت وزیر کشور حکم شهردار کلان شهر را صادر می‌کند از این رو کار ما به گونه‌ای است که از نظر سازمانی و مقررات



شکلی است ما نباید این بحث را به تأخیر بیندازیم. تأخیر در پرداخت بودجه نتیجه‌اش پایین آمدن خدمات است. برای نمونه مورد مترو را می‌گوییم الان دولت یک لایحه‌ای تقدیم کرده که مجلس تصویب کرده است در مترو سهم شهرداری‌ها ۵۰ درصد و سهم دولت هم ۵۰ درصد می‌باشد اینجا باید در مقام دفاع گفت که شهرداری‌ها چقدر درآمد دارند که ۵۰ درصد بودجه‌ی سالانه را باید پرداخت بکنند؟ مثلاً تبریز بودجه‌اش ۱۰۰ میلیارد تومان در سال ۸۵ بوده است، طبق این قانون که محترم هم هست ۵۰ میلیارد تومان باید شهرداری تبریز آورده باشد ۵۰ میلیارد تومان هم سازمان برنامه و بودجه از طرف دولت پرداخت بکند. ما انتظار داریم که وقتی که ما فشار می‌آوریم که این عملی نیست همراهی‌ها به شکلی باشد که دولت محترم لایحه‌ای را به صورت اصلاحیه ببرند یا نمایندگان مجلس بتوانند اصلاحی را بزنند و آلفشار زیادی می‌شود بر مترو وارد، از یک طرف دلمان می‌خواهد که مترو ساخته شود از دیگر سو باید از کارهای خدماتی بزنیم و بدهیم به مترو که مردم ۵ سال آینده می‌خواهند سوار یک مسیر محدود بشوند. من فکر می‌کنم سازمان شهرداری‌ها با یک تحول جدی و اساسی باید کارها را از دید این که مدافع منابع شهرداری‌ها است دنبال کند و از این رو انتظار می‌رود که بدون تعصب دولتی بدون این که ما وابسته به وزارت کشور باشیم، پشت میز شهرداری‌ها نشسته و درخواست‌هایمان را محکم مطرح کنیم.

آقای هاشمی از دوستان بیست و چند ساله بنده هستند بارها شده که من مشکلات را مطرح می‌کنم؛ می‌بینم که ایشان دلش می‌خواهد انجام دهد اما سیستم طوری طراحی شده است که آن دفاع لازم حتی در حد این که ما از شهرداری‌ها ۲۰ الی ۳۰ نفر برویم در خدمت آقای وزیر و دیگر وزیران بشینیم و حرف‌هایمان را بگوییم. من در این یک و سال و نیم، از نحوه‌ی این بحث‌هایی که پیش آمده بود زیاد راضی نبودم. من این طور می‌توانم بگویم که سازمان شهرداری‌ها که باید از منافع شهرداری‌ها دفاع کند از کارش متوسط و بینابین، راضی هستم. من در این پانزده ماه زیاد کارهای فوق العاده و کارهای مضاعفی ندیده‌ام.

شوراپیا واقعیت آن است که سازمان شهرداری‌ها یک سازمان دولتی است. توقع هدایت و نظارت بر نهاد مدنی (شهرداری) از طرف سازمان دولتی انتظار به جایی نیست و فضای اداری سازمان این اجازه را نمی‌دهد. در خصوص تشکیل اتحادیه شهرداری‌ها نظر شما چیست؟ حرکت‌هایی که در دوره گذشته آغاز شد پیگیری می‌شود؟ و آیا اراده‌ای برای ادامه بحث وجود دارد یا نگرش و دیدگاه جدیدی حاکم شده است؟

قانونی در تابعیت وزارت کشور هستیم. سازمان شهرداری‌ها به عنوان یک اتحادیه‌ی غیردولتی باید عمل کند و عملاً باید مدافع شهرداری‌ها باشد. من این احساس را زیاد جدی ندیدم. نمی‌دانم شاید من تازه وارد سیستم وزارت کشور شده‌ام که این طور احساس می‌کنم. ما الان در خصوص شرکت واحد همان طور که می‌دانید بلیت نفری ۱۰۸ تومان تمام می‌شود، اما ما ۲۵ تومان می‌فروشیم تهران ۲۰ تومان می‌فروشد. این هزینه به صورت یارانه بین شهرداری‌ها و سازمان شهرداری‌ها تقسیم شده است. آن یک سوم که سهم شهرداری‌ها است را ما پرداخت می‌کنیم. قسمت بعدی که مربوط به سازمان شهرداری‌ها است با تأخیر گاه شش یا هفت ماهه وصول می‌شود، در سال ۸۵ این اتفاق پیش آمد که حداقل ده‌ها نامه نوشتیم برای شرکت اتوبوسرانی، در اتحادیه‌ای که خودشان دارند مطالباتشان را به دوستانمان در سازمان شهرداری‌ها رسانند. چندین بار خدمت معاون عمرانی وزیر محترم جلسه گذاشتیم و در نهایت نتیجه‌ای حاصل نشد.

می‌خواهم بگویم که شهرداری یک محل خدماتی است یک روز هم کار خدماتی تعطیل پذیر نیست. اگر این



سه ماه پیش در جلسه ای که شوراهای اسلامی شهر و شهرداران کلان شهرها داشتند؛ جناب آقای دکتر چمران این پیشنهاد را خدمت رئیس جمهور بردند و مطرح کردند و تا آن جایی که من خبر دارم این بحث را قبول کرده بود بنا است که این کار بسترش آماده شود و انشاءالله انجام شود.

شورایا لطفاً نظرتان را درباره‌ی روزی ویژه به نام "روز شهردار" اعلام بفرمایید.

○ مرحوم شهید باکری اوایل انقلاب شهردار ارومیه بوده و جالب این است که حکمش را هم شورای شهر داده است. این خوب است که ما یک شهردار را که الگوست؛ یعنی آن ایامی که من توفیق داشتم که در محضرشان باشم هر از چند گاهی که مرور می‌کنم به آن ایامی برمی‌گردیم که در خدمتشان بودیم و از خودم می‌پرسم اگر آقا مهدی الان این جا بود ما همین اندازه کار می‌کردیم بعد فکر می‌کنم، بلند می‌شوم، سر کارم می‌روم و جدی می‌شوم. ما اراده داریم، ما الگو داریم به مخصوص در شهرداری که یک جای خدماتی است. پیشنهاد من این است که روز شهادت آقا مهدی ۲۵ اسفند ماه روز شهردار نامگذاری شود از این روزهایی که در تقویم نامگذاری شده است بالاخره یک روز هم به شهرداری برسد.

شورایا ما از طریق ماهنامه، از همه‌ی شهرداری‌ها خواسته بودیم که در بزرگداشت سده‌ی شهرداری‌ها و تشکیل ستادی برای خود دست به کار شوند و جای کوچکی را هم به عنوان موزه در نظر بگیرند، زیرا تا جایی که می‌دانیم جز موزه‌ی آتش نشانی تبریز جای دیگری حتی تهران چنین موزه‌ای ندارد. نظرتان درباره گسترش این موزه و بنیاد موزه‌های شهرداری دیگر شهرها چیست؟

○ این کار را باید انجام دهیم. من خودم هر چند که کارمند شهرداری نیستم ولی معتقدم که شهرداری‌ها را باید در یک مجموعه دید. اگر ما موزه داریم این موزه را باید کل شهرداری‌ها داشته باشند. اگر امروز اصفهان مثلاً کاری در خصوص درآمد پایدار شهرداری کرده است ما باید از آن استفاده کنیم و آن‌ها هم باید آن اطلاعات را به ما بدهند ما از نظرات دیگران استفاده کنیم؛ فلذا آن آتش نشانی یا سازمان اطفائیه که ۸۰ ساله هم شده است، آن هم با توجه به اتفاقات دیگری که از اولین‌های شهر ماست، می‌گوییم اولین آتش نشانی در تبریز بوده است در نمایشگاه تلمبه‌هایی آتش نشانی را می‌بیند که روی گاری می‌گذاشتند و آن‌ها هم از آن موزه آورده شده است.

شورایا در پایان از حوصله و همراهی شما سپاسگزاریم.

○ شهرداری‌ها خودشان یک NGO بزرگی هستند که از دل مردم آمدند و شورای شهر هم که شهردار را انتخاب می‌کند. مردم انتظاراتی را دارند. مثلاً شورای شهر تصویب می‌کند ما یک فاینانسی می‌آید در حد ۳۰۰ میلیون یورو برای متروی ما، تعیین اعتبار می‌کند ما به خاطر بحث تضمین نمی‌توانیم این وام را بگیریم به نظر من اینجا دولت محترم باید نوع برخورد ما و برخورد با شهرداری‌ها را روشن بکند. الان به نظر من چه اشکالی داشت وقتی شهرداری دنبال قرارداد مشارکتی رفته و یک هیأتی از یک کشوری آمده است خدمت آقای استاندار و یک تفاهم‌نامه‌ای هم شده است و بنا شده که این وام را برای تبریز بیاورد؛ دولت اگر بحث سازمان شهرداری‌ها دولتی را مطرح می‌کند اینجا می‌بینید که شهرداری تبریز در تضمین می‌کنیم. اگر وام شما را برنگرداند ما اقساطش را پرداخت می‌کنیم. این برخورد دو پهلو زیاد جالب نیست جایی که لازم است که مطرح می‌کنیم که ما سازمان دولتی هستیم و ما نمی‌توانیم، از آن طرف هم به عنوان یک سیستم غیر دولتی ما را نمی‌شناسد؛ یعنی شهرداری‌ها در ایامی که بودجه نویسی می‌کنند دستورالعمل از بالا صادر می‌شود ما آن دستورالعمل را باید رعایت کنیم در تنظیم بودجه، حالا که رعایت می‌شود اختیاری که به شورا داده شده در تعیین تعرفه عوارض محلی شورا معترض اند. در این جا اگر ما شهرداری را به عنوان سازمان دولتی به حساب بیاوریم احساسم این است که مدافع خوبی برای شهرداری‌ها نخواهد بود. اما اگر اتحادیه باشد، اتحادیه حرفش را می‌زند. مثلاً صنف مرغداران مطرح می‌کند که مثلاً مرغ‌های ما بیمار شده دولت سریع لایحه به مجلس می‌فرستد و وام می‌دهند. ما در شهر از این مسائل زیاد داریم یک روزی که ساخت و ساز و خرید و فروش مسکن پایین می‌آید وقتی درآمد شهرداری محقق نمی‌شود آن موقع اتحادیه وظیفه دارد که برود از دولت هزینه ارزی و اعتبارات دیگر پول بگیرد و شهر را بگرداند. الان ۷۰ درصد جمعیت ما در شهرها هستند شاید بیش تر حالا که این درصد را قبول داریم اگر نارضایتی پیش بیاید و همه مردم شهرنشین از شهرداری ناراضی شوند غیرمستقیم تبعاتش به خود دولت برمی‌گردد.

اتحادیه از این جهت که غیر دولتی است می‌تواند دفاع صنفی کند و بر تقاضاهایش آنقدر پافشاری کند که بتواند از دولت و مجلس کمک بگیرد. اگر سازمان شهرداری‌ها به شکل دولتی که حالا اداره می‌شود قطعاً پیش رفتن و اصرار ورزیدن‌ها یک حدی خواهد داشت و بیش تر از آن مشاور و کارمند ما به خود اجازه نخواهد داد. حالا اگر شما می‌گویید که هیچ راهی ندارد من فکر می‌کنم که باید به فکر یک اتحادیه بیافتیم و تقویت کنیم. اخیراً